

مؤلفه‌های شناخت شیوه گزینش جایگذاری احادیث در الحیاه

روح‌الله شبیدی^۱، زهرا خوش صحبتان^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۳)

چکیده

جوامع حدیثی به عنوان مهمترین مجموعه‌ها از میراث حدیثی تشیع، حائز اهمیت هستند و مطالعه و بررسی ملاکهای گزینش، چینش و تبویب احادیث، زمینه را برای شناخت بهتر آنها فراهم می‌سازد. برای این مطالعه، الحیاه به عنوان جامع حدیثی متأخر که در بی‌ارائه سبک و الگوی زندگی بر مبنای تعالیم دینی است، انتخاب شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، مهمترین مؤلفه‌های گزینش و جایگذاری حدیث را در الحیاه، از طریق معیار اعتبارسنجی احادیث، روش جستجو و جمع‌آوری احادیث و گرایش نویسندگان بررسی می‌کند. مولفان الحیاه در گزینش منابع و مصادر علاوه بر توجه به قدمت و توثیق مآخذ اولیه، با بهره‌گیری از تعاضد مضمونی احادیث با قرآن و دیگر روایات بعنوان معیاری برای اعتبارسنجی احادیث، مجموعه گسترده‌ای از منابع غیرفقهی، اخلاقی و واسطه‌ای را نیز مورد استفاده قرار می‌دهند. مقایسه جایگاه احادیث در منابع اولیه با عناوین فصول الحیاه و مطالعه نوع پیوند احادیث با عناوین بیانگر مبانی مولفان، دغدغه‌ها و گرایش اجتماعی برادران حکیمی و انگیزه‌های تالیف توسط ایشان است.

کلید واژه‌ها: گزینش حدیث، جوامع حدیثی، الحیاه، محمدرضا حکیمی، تبویب حدیث.

shahidi@ut.ac.ir

۱. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشکده‌های فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

z.khosshobatan@modares.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛

۱- بیان مسأله

میراث حدیثی به عنوان رکن دوم استناد در آموزه‌های دینی بعد از قرآن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عالمان و محدثان در طول تاریخ برای حفظ این میراث از تزییع و ساماندهی و تنظیم بهتر احادیث، همواره تلاش نموده‌اند. جوامع حدیثی از جمله نگاشته‌هایی است که در بستر این تلاش‌ها شکل گرفته‌اند. جامع را کتابی در بردارنده ابواب حدیثی چون عقائد، احکام، رقائق، آداب خوردن و نوشیدن، تفسیر، تاریخ و سیره، شمائل، فتن و مناقب و مثالب (برای نمونه نک: صبحی صالح، ۳۰۴-۳۰۵) یا مشتمل بر ابواب گونه گونه فقه (برای نمونه نک: صبحی صالح، ۲۶۰) تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که نویسندگان جوامع حدیثی پیش از گردآوری و تنظیم احادیث در ابواب گونه‌گون، با ملاکهای پذیرفته خود دست به گزینش حدیث می‌زده‌اند و هرگونه حدیثی را در کتاب خویش ثبت نمی‌کرده‌اند. برای نمونه از مقدمه الکافی برمی‌آید که کلینی برای رفع مشکل تعارض اخبار و تشخیص صحیح از ناصحیح، معیارهایی مانند عرضه حدیث به قرآن، مقابله حدیث با فتاوی اهل سنت، تمسک به حدیث اجماعی و در نهایت معیار تسلیم و رضا را به کار می‌گیرد و پس از جایگذاری احادیث موافق با دیدگاه و فتاوی خود از درج روایات مخالف در جامع حدیثی خود خودداری کرده است (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۳۶۱-۳۶۲) یا شیخ صدوق به روشنی می‌گوید چون مصنفان پیشین نمی‌خواهد آنچه را از طریق روایت در اختیار دارد، نقل کند، بلکه با تکیه بر منابع و مصادر مشهور و مرجع شیعه، احادیثی را که بین خویش و خداوند حجّت می‌شمارد، یاد می‌کند (صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ۳/۱-۲) ادعای تنقیح چند باره موطاً توسط مالک و حذف سالیانه بخش از احادیث آن (نک: معارف، جوامع حدیثی اهل سنت، ۲۹) یا گزینش احادیث صحیح مسلم از میان سیصد هزار حدیث (نک: معارف، ۲۹) و... هم به اجمال از نگاهی گزینش‌گر حکایت دارد. افزون بر این، بر تبویب و جایگذاری احادیث گزینش شده هم قاعدتاً منطقی

حاکم است. برای نمونه گفته‌اند که کلینی غالباً احادیث هر باب را بر اساس صراحت و وضوح دلالت تنظیم کرده است. (موسوی خوانساری، ۱۱۶/۶) اینها و چون اینها، اشاراتی اجمالی و ادعایی است که نمی‌تواند به گونه‌ای نظامند، چگونگی تحقق و ظهور یک جامع حدیثی در چارچوب پیش روی ما را نشان دهد. به دیگر سخن در مواجهه با یک جامع حدیثی، با انبوهی از احادیث روبه‌رو هستیم که در کتابها و ابواب گونه‌گونه انباشته شده‌اند. ناگفته خود پیداست که این احادیث بدون مبنا و باری به هر جهت برگزیده نشده‌اند، بی‌جهت در ابواب مختلف دسته‌بندی نشده‌اند و نظم و نسق حاکم بر آنها در هر بخش و باب کتاب، نیز براساس منطقی پیشینی است. اما در بدو امر روشن نیست که نویسنده جامع با چه سازوکاری احادیث را گزینش کرده و با چه منطقی در کتابها و فصول پیش گفته جایگذاری کرده‌است.

مسأله این پژوهش در همین راستا پدید می‌آید. این پژوهش در پی آن است که در راستای تبیین روش گزینش و انتخاب احادیث و چینش و تدوین آنها در الحیاه، یکی از جوامع حدیثی معاصر، گام بردارد و مهمترین مؤلفه‌های کشف آن را تبیین کند. دلیل انتخاب کتاب الحیاه^۱ معاصرت این جامع حدیثی با روزگار ما، است. هم‌روزگاری چند مزیت به همراه دارد، نخست آنکه باورها، دغدغه‌ها و گرایش‌های نویسندگان معاصر شناخته‌تر است. دیگر آنکه نویسندگان معاصر معمولاً به زوایایی از روش خویش در کتاب تصریح می‌کنند. افزون بر این منابعی که مصادر معاصر بر آن تکیه دارند، در اختیار و ارجاعات بدانها نیز روشن و بدون ابهام است، و این خود دست پژوهشگران برای تحقیق پیرامون چیستی و

۱. الحیاه مجموعه‌ای دوازده جلدی حدیثی است که توسط محمدرضا حکیمی و برادرانش علی و محمد حکیمی، در چهل عنوان باب تدوین شده است. هر جلد از الحیاه با آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» از سوره انفال آغاز می‌شود. که خود می‌تواند تا حدودی گویای اندیشه مولفان و اهداف ایشان از تالیف آن باشد. مولفان خواسته‌اند در این کتاب، ایدئولوژی اسلامی و نظام مکتبی و خط فردسازی و جامعه‌پردازی اسلام را، به مدد دو متن اصلی (کتاب و سنت، حدیث) عرضه بدارند. و فهرستی از مسائل و نیازهای گوناگون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان، در زندگی متحول و نوین بشری، به مقصود تاسیس جامعه سالم و متکامل انسانی، فهم شده و برگرفته از اصل اسلام یعنی قرآن و احادیث، فراهم آورند. الحیاه. ج ۱. صص ۱۵ و ۱۹-۱۷.

چگونگی‌شان باز گذاشته و راه مقایسه درون مایه سوژه پژوهش با مصادر پیشین و برنمودن تفاوت نگاه‌های جامعان حدیث را هموارتر می‌سازد. این در حالی است که در جوامع متقدم نه زوایای اندیشه نویسندگان چندان آشکار شده و نه تصریح به روش یافت می‌شود و نه منابع آنها شناخته شده و یا در دسترسند.

همچنین با توجه به گستردگی و تنوع موضوعات مجلدات گونه‌گون الحیاه و ممکن نبودن بررسی تمامی آنها در این مجال، بر مجلدات نخست و هشتم آن تمرکز شده است. دو جلد اول و هشتم از الحیاه به سبب اهمیت موضوعات در ابواب شناخت، عقیده و ایمان، عمل و امتیازات جهانبینی الهی در ایدئولوژی اسلامی و نیز ابواب تعهدباوری و مسئولیت‌شناسی و احساس و عاطفه به عنوان دو ویژگی برتر انسانی در نگاه مولفان و ابواب ضوابط در روابط خانوادگی و ضوابط در روابط اجتماعی بواسطه دغدغه‌های عصری نویسندگان در پاسخگویی به مسائل عصری، مورد مطالعه قرار گرفته‌است و با روش توصیفی تحلیلی و با توجه به روش فقه‌الحدیثی مولفان، معیارهای گزینش احادیث ذیل هر عنوان استخراج شده‌است.

۲- پیشینه بحث

تحقیقاتی که تاکنون در زمینه معیارهای گزینش احادیث انجام شده بیشتر متمرکز بر جوامع حدیثی متقدم بویژه الکافی و با توجه به مقتضیات این جوامع ناظر بر معیارهای بررسی صحت احادیث از نظر نویسندگان آنها است. از جمله این تحقیقات می‌توان به مقالات مقایسه ملاک‌های گزینش احادیث در صحیح بخاری و الکافی نوشته‌ی مجید معارف و همکاران؛ شیوه‌ کلینی در گزینش احادیث الکافی توسط مهدی اکبرنژاد و دیگران که بیشتر بر ملاک‌های اعتبارسنجی احادیث متمرکز شده‌اند، اشاره کرد. تحقیق حاضر هم جامع حدیثی متفاوتی را انتخاب کرده است و هم کوشیده است در کنار ملاک‌های اعتبارسنجی احادیث آن، از شیوه‌ چیش و انتخاب احادیث در ابواب مختلف کتاب هم یاد کند.

پژوهش‌های پیرامون الحیاه نیز مانند شناختنامه الحیاه از نشریه بینات، بیشتر به مباحث کلی پیرامون این جامع حدیثی و تشریح برخی مبانی نویسندگان پرداخته‌اند. با توجه به عدم تمرکز پژوهش‌های گذشته بر نقاط عطفی مانند گرایش خاص و نصّ محور مولفان الحیاه، تاکید پژوهش حاضر بر روش گزینش و جایگذاری احادیث و زاویه متفاوت نگاه حدیثی آقایان حکیمی، آن را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد.

۳- بررسی شیوه گزینش و جایگذاری حدیث در الحیاه

شیوه گزینش احادیث، انتخاب و چینش آنها توسط محدثان دارای ابعاد مختلفی است. نخستین جنبه آن به مسأله صدور حدیث مربوط می‌شود. مصنفان نخست باید از مجموعه میراث حدیثی احادیث معتبر و حجّت را انتخاب کنند و احادیث نامعتبر را کنار بگذارند. مبانی مختلف نویسندگان در تعیین مصداق روایت معتبر، وثوق سندی یا وثوق خبری، به تفاوت در مجموعه احادیثی که مبنای تألیف جامع حدیثی هستند، می‌انجامد. جنبه دیگر این است که در میان احادیثی که معتبر انگاشته می‌شود، چگونه احادیث هم مضمون و متناسب با بخشها و ابواب مختلف کتاب را جمع‌آوری و به دیگر سخن خانواده حدیثی فراهم آید. دو جهت پیش گفته، به جنبه‌های فنی و صوری یک جامع حدیثی مربوط است، اما به هر روی در جوامع حدیثی چون دیگر پدیده‌های بشری، زاویه نگاه، دغدغه‌ها و گرایش‌های نویسندگان نیز در جهات مختلفی می‌تواند اثرگذار باشد. برای نمونه تخصص علمی نویسنده در توجه بیشتر و دقیق‌تر به احادیث هم راستا با تخصص او مؤثر است یا دغدغه او می‌تواند نوع خوانش و برداشت او را از احادیث دیگرسان کند. بر این اساس مهمترین راههای کشف شیوه گزینش، انتخاب و چینش و جایگذاری احادیث را در جوامع حدیثی توجه به «معیارهای اعتبار سنجی حدیث»، «شیوه جستجو و گردآوری حدیث» و «گرایش نویسنده» دانست.

آقایان حکیمی جامع حدیثی الحیاه را با هدف معرفی اسلام به گونه‌ای تازه و پیراسته و

درخور آزمون با استناد به قرآن و حدیث شریف گردآورده‌اند. (حکیمی و دیگران، ۱/۴۷-۴۶) بدون تردید روش مولفان در گزینش احادیث ذیل عناوین ابواب و فصول برای این جامع حدیثی متأثر از اهداف تالیف آن، مبانی فکری و اصول معرفت‌شناختی جریان تفکیک، پیش‌فرض‌های نویسندگان پیرامون ماهیت و ظرفیت‌های دین و قوانین دینی، پیش‌فرض‌های مربوط به متدلوژی استنباط از متون دینی، است. روش حدیث‌گزینی مولفان الحیاه از خلال مطالعه مجلدات اول و هشتم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. معیار اعتبارسنجی حدیث در الحیاه

انتخاب روایات صحیح از بین روایات آحاد به سبب جایگاه و اهمیت احادیث به عنوان منبع معرفت آموزه‌های دینی، و نیز احتمال وقوع آسیب یا تحریف برای این منبع، نزد تمام مولفان جوامع حدیثی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دو رویکرد اصلی در گزینش معیار سنجش صحت احادیث میان محدثان شیعی وجود دارد. ۱) رویکرد وثوق سندی که تنها راه دستیابی به اعتبار روایت را سند آن دانسته و راه دیگری جز تمرکز بر صحت سند روایات در پذیرش یا رد آنها متصور نیست. ۲) رویکرد وثوق صدوری که معیار اعتبار حدیث را اطمینان به صدور آن از معصوم دانسته که از دو راه قابل اثبات است: الف) وجود سند صحیح و موثق ب) وجود برخی قرائن معتبر. در این رویکرد تنها با وجود یک راوی ضعیف، روایت از اعتبار ساقط نمی‌شود زیرا امکان اثبات اعتبار روایت از مجموع قرائن اعم از اعتبار راویان، اعتبار منبع، مقبولیت کتاب و نویسنده، همنوایی متن با معارف و آموزه‌های مسلم شرعی و عقلایی و قبول خبر توسط عالمان و اندیشمندان پیشین وجود دارد (نک: ح‌الله، ۱/۴۵-۷۸).

مولفان الحیاه در مقدمه کتاب پیرامون اعتبار کتاب، به دو مورد انطباق مضمونی احادیث با آیات قرآن و تعاضد مضمونی احادیث اشاره کرده و سپس پیرامون مآخذ مورد استفاده در الحیاه و اعتبار آن‌ها سخن می‌گویند. ایشان انسجام و هماهنگی احادیث با آیات قرآن

را متضمن ارزش و اعتبار مضامین احادیث و تعالیم آن‌ها برمی‌شمرند. و به حدیث امام صادق علیه السلام ارجاع می‌دهند که می‌فرماید: "... انظرو امرنا و ماجاءکم عنا، فان وجدتموه فی القرآن" موافقا فخذو به"، درباره "مکتب" ما و تعالیمی که از ما به شما رسیده است نیک بنگرید، پس اگر آنها را با "قرآن" هماهنگ دیدید به آنها عمل کنید و آنها را ملاک قرار دهید. ایشان نکته دیگر در اعتبار این مضامین و تعالیم را، انطباق مضامین دیگر احادیث با احادیث نبوی و همچنین هماهنگی مفهومی و انسجام تعالیم احادیث امامان با یکدیگر ذکر کرده و این تعاضد مضمونی را سبب اعتماد به مضمون حدیث می‌دانند. سپس جهت نشان دادن اعتبار محتویات کتاب، اعتبار مآخذ را به عنوان عامل دیگر مطرح و تصریح می‌کنند که مآخذی که احادیث الحیاه از آنها برگرفته شده، در نوع خود معتبر و بیشتر آنها مستقیم و غیرمستقیم از مصنفات قدما، کتب اربعه، و دیگر تالیفات مشایخ محدثین و قدمای عالمان دین است، که هر کدام به گونه‌ای معتبر تلقی گشته‌است. و در توضیح استفاده از کتاب بحارالانوار اضافه می‌کنند که در نقل از این کتاب، مآخذ مرحوم علامه مجلسی را ذکر کرده و از روایاتی از این کتاب بهره جسته‌اند که از مآخذ موثق تری نقل شده‌است. (حکیمی و دیگران، ۳۰/۱-۳۱) در بررسی مآخذ احادیث جلد یکم و هشتم از الحیاه، به نظر می‌رسد که نویسندگان معیار مشخص و واحدی مانند شناخته‌شده‌تر یا دسترس‌تر بودن منبع و یا متقدم‌تر بودن آن را برای ارجاع دادن در نظر نمی‌گیرند. چنانکه در مواردی احادیث را به متقدم‌ترین و موثق‌ترین منبع موجود آن ارجاع می‌دهند و در موارد بسیار دیگر در عین وجود منابع متقدم از ارجاع به منابع واسطه‌ای و یا منابع دردسترس با رتبه پایین‌تری از میزان وثوق، استفاده می‌کنند که از آن در مقدمه به عنوان ارجاع غیرمستقیم به منابع متقدم و معتبر یاد می‌کنند. در مجموع روش ارجاع احادیث توسط مولفان در الحیاه حکایت از جایگاه و اهمیت وثاقت صدور احادیث نسبت به وثاقت سندی و تکیه بر انطباق مضمونی احادیث با آیات قرآن و تعاضد مضمونی احادیث با هم، در دیدگاه ایشان دارد چنانکه در بررسی اعتبار کتاب به عنوان عامل مقدم بر اعتبار مآخذ ذکر می‌شود. در این

مطالعه سنجش میزان توثیق منابع و ارزشگذاری متون با توجه به جدول ارائه شده در کتاب سید محمد کاظم طباطبایی (۲۷۷-۲۸۶) انجام شده است. در ادامه انواع ارجاعات در الحیاه با نمونه‌هایی از آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱. ارجاع به متقدم‌ترین و موثق‌ترین منبع

مطالعه منابع گزینش روایات در دو جلد اول و هشتم نشان می‌دهد که مولفان الحیاه در انتخاب احادیث از میان مراجع موجود برای هر روایت، همانگونه که در مقدمه نیز تأکید می‌کنند، در موارد متعددی از ارجاع به متقدم‌ترین و موثق‌ترین مراجع بهره می‌برند. نمونه‌هایی از ارجاعات نویسندگان به موثق‌ترین و متقدم‌ترین منابع حدیثی در ادامه ذکر می‌شود.

- برخلاف آنچه در برخی فصول جلد هشتم به نظر می‌رسید، در فصل هشتم از باب نخست تمامی احادیث به مراجع متقدم‌تر و معتبرتر و دسته اول آن ارجاع داده شده است. (حکیمی و دیگران، ۱۰۳/۱)

- روایت دوم از ص ۲۲۴ به اصول کافی ارجاع داده شده است در حالیکه در بحارالانوار (حکیمی و دیگران، ۹۱/۱) به نقل از المحاسن ذکر شده و دلیل این ارجاع موثق‌تر بودن کافی نسبت به المحاسن است. (حکیمی و دیگران، ۲۲۴/۱)

- حدیث اول از بخش ی از فصل پنجم که به تنبیه الخواطر ارجاع داده شده در مستدرک الوسائل (نوری ۵۴/۹) نیز نقل شده است که در این مرجع به عوالی الثالی ارجاع داده که تنبیه متقدم‌تر و موثق‌تر است. (حکیمی و دیگران، ۴۳۱/۱)

- روایت سوم در فصل هفدهم که الحیاه آن را به خصال ارجاع داده، در المحاسن (برقی، ۵/۱)، من لایحضر (صدوق ۴/۴۰۵)، امالی صدوق (۲۷)، تحف العقول (حرانی، ۲۱۵) و اختصاص (مفید، ۲۳۱) نیز روایت شده که با توجه به ارزش‌گذاری متون، کاملاً ارجاع دقیقی انجام شده است. (حکیمی و دیگران، ۷۱۷/۱-۷۱۶)

۳-۱-۲. ارجاع به در دسترس ترین مراجع

گاهی در ارجاعات الحیاه، مولفان مرجع حدیثی را که در دسترس تر است، نسبت به مرجع متقدمی که ممکن است دسترسی به آن برای همگان آسان نباشد، ترجیح داده‌اند. تحف العقول، مکارم الاخلاق و غررالحکم از این جهت بیشتر از بقیه مراجع مورد توجه نویسندگان قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال:

- حدیث هفدهم از فصل ۱۸ باب سوم نیز که از تحف العقول روایت شده است، در الخصال (صدوق، ۶۱/۲) نیز روایت شده است. و همچنین در تکرار این روایات در دو مجلد دیگر از الحیاه به وسائل (حرعاملی، ۲۳۴/۱۲) ارجاع داده شده است. تحف و وسائل از نظر اولویت متاخر از الخصال، لیکن از توثیق قابل قبول برخوردار و دست‌یافتنی تر هستند. (حکیمی و دیگران، ۵۴۷/۱-۵۴۴)

- روایت دوم از فصل ۲۴ که به مکارم الاخلاق ارجاع داده شده، در الخصال (صدوق، ۲۳۹/۱) و من لا یحضره الفقیه (صدوق، ۳۵۷/۴) نیز روایت شده و در وسائل (حرعاملی، ۸۳/۱۶) و وافی (فیض کاشانی، ۱۷۱/۲۶) و بحار (مجلسی، ۱۸۰/۶۸) به نقل از این دو منبع نقل شده است. روایت سوم همین فصل نیز که از مکارم روایت شده در امالی طوسی (طوسی، ۵۲۶) نقل شده است. (حکیمی و دیگران، ۶۷۲/۱-۵۶۶) همچنین حدیث سوم از ص ۴۱۶ که از مکارم الاخلاق نقل شده در امالی طوسی (۵۳۸) و وسائل الشیعه (حرعاملی، ۲۶۴/۱) به نقل از امالی روایت شده است. اهمیت در دسترس بودن مکارم الاخلاق نسبت به خصال و من لا یحضر و امالی طوسی سبب این ارجاع به نظر می‌رسد. (حکیمی و دیگران، ۵۶۶/۱ و ۴۱۶)

- مولف حدیث هفتم از ص ۲۰۴ را به دو مرجع الاختصاص و غررالحکم ارجاع داده است. الاختصاص مرجعی است که علامه مجلسی این روایت را در بحار از آن نقل می‌کند و متقدم‌ترین مرجع این روایت است. ارجاع به غررالحکم احتمالاً به دلیل شناخته شده تر

بودن و در دسترس بودن بیشتر است. (حکیمی و دیگران، ۲۰۴/۱) و ...^۱

۳-۱-۳. ارجاعات دقیق از مراجع واسطه‌ای با ذکر مراجع مورد استناد آنها

نویسندگان الحیاه در برخی از مواردی که از مراجع واسطه‌ای برای ارجاعات احادیث استفاده می‌کنند، مرجع موثق و متقدم آن روایت را در کنار آن مرجع واسطه‌ای ذکر می‌کنند. این رویه در مورد احادیث منتخب از بحارالانوار بیشتر جلب توجه می‌کند. چنانکه مولفان در مقدمه کتاب یادآور می‌شوند که سعی کرده‌اند از احادیثی از بحارالانوار استفاده کنند که از مآخذ موثق تری نقل شده باشد و در موارد بسیاری مآخذ علامه مجلسی برای روایت را ذکر کرده‌اند. لیکن در نمونه‌هایی که تعدادشان کم هم نیست، این ذکر منبع بحارالانوار برای احادیث مغفول مانده است. یک بررسی آماری در جلد اول الحیاه نشان می‌دهد که حدود ۲۱ درصد از احادیث جلد یک به بحارالانوار ارجاع داده شده است که در ۶۸ درصد از آن‌ها به مرجع آن در بحار اشاره شده و ۳۲ درصد تنها به بحار بدون ذکر مآخذ آن ارجاع داده شده‌اند.

جدول ۱: تعداد ارجاعات به بحارالانوار در جلد یک الحیاه

مراجع	تعداد روایت
بحارالانوار	۲۱۸
اشاره به مرجعی که بحار از آن روایت کرده	۱۴۹
عدم اشاره به مرجع بحار	۶۹

در ادامه به نمونه‌هایی از اینگونه ارجاعات اشاره شده است.

- احادیث هفتم و دهم فصل دوم نویسنده علاوه بر بحارالانوار، در ارجاع دقیقتری به احادیثی

با معنای نزدیک به آن در الکافی ارجاع داده است. (حکیمی و دیگران، ۴۸۸/۱ و ۴۸۶).^۲

۱. برای مطالعه نمونه دیگر نک: الحیاه. ج ۱. ص ۴۰۴. ح ۴. روایت شده در الأصول الستة عشر (ط - دار الحدیث). ص ۱۹۰.

۲. برای مطالعه نمونه‌های بیشتر نک: الحیاه. ج ۱. ص ۲۸۹. ح ۱. و الحیاه. ج ۸. ص ۴۴۷. ح ۲. و ص ۴۷۵. ح ۱.

- در فصول ۱۸ تا ۲۳ از باب سوم در ارجاعات به بحار الانوار، همانند اغلب آنها در کتاب، مرجع بحار در روایت را ذکر شده است. از موارد استثنا میتوان به روایت اول از فصل ۲۲ اشاره کرد که ذکر مرجع قصص الانبیاء (راوندی، ۱۶۴) به عنوان منبع روایت در بحار مغفول مانده است. (حکیمی و دیگران، ۱/۵۶۰)

۳-۱-۴. ارجاع به مرجع واسطه‌ای و فقدان وحدت رویه در ارجاع

در میان ارجاعات الحیاء، موارد متعددی حاکی از عدم وحدت رویه مولفان در استفاده از مآخذ احادیث است که عمدتاً به دلیل تکیه مولفان بر مراجع واسطه‌ای، و عدم ذکر منابع اصلی است که به نظر می‌رسد گاهی به دلیل فراموشی و یا احتمالاً نداشتن معیار مشخص واحد در گزینش و استفاده از منابع، در ارجاعات است. به نمونه‌هایی جهت روشن شدن این مساله از ارجاعات الحیاه اشاره می‌شود.

- احادیث ۱ تا ۴ از بخش "نیازمندی‌های عقل به حجت خدا و راهنمایی‌های او" به تفسیر البرهان ارجاع داده شده است در حالیکه خود البرهان این روایات را از کافی و بصائر الدرجات نقل کرده است. که مولف به منبع واسطه‌ای ارجاع داده و از منبع اصلی استفاده نکرده است. (حکیمی و دیگران، ۱/۲۳۱-۲۳۰)

- حدیث اول از ص ۲۴۱ که از مرجع الغدیر نقل شده است، در الامالی للطوسی (۵۸۳) نقل شده است. (حکیمی و دیگران، ۱/۲۴۱)

- حدیث پنجم از فصل ۳۸ نیز که از مستدرک نهج البلاغه آورده شده، در من لایحضره الفقیه (صدوق، ۴/۳۸۵)، ذکر شده است. (حکیمی و دیگران، ۱/۲۸۸)

- حدیث دوم از فصل ۴۵ به مستدرک الوسائل ارجاع داده شده، در این مرجع به نقل از اختصاص روایت شده، این روایت در الکافی (کلینی، ۲/۶۳۹)، تحف العقول (حرانی، ۳۶۶)، الإختصاص (مفید، ۲۴۰) آمده است. (حکیمی و دیگران، ۱/۳۲۵)

- حدیث اول و دوم از فصل بیستم که به نقل از تفسیر نورالتقلین آمده‌اند در بحارالانوار (مجلسی، ۱۷۰/۷۰) به نقل از تفسیرالقمی (قمی، ۲۰۲/۱) و در نهج‌البلاغه نیز به همین شکل نقل شده‌اند. (حکیمی و دیگران، ۶۴۲/۸)

این نوع ارجاعات و تکیه مولفان بر منابع واسطه‌ای نشان می‌دهد که ظاهراً برای ایشان اعتبار منبع در اولویت نیست و در حالی که امکان نقل یک روایت از مراجع معتبرتر وجود دارد، لیکن برخی اوقات بنا به دلایلی که احتمالاً استفاده از منابع متنوع و همچنین استفاده از منابع اخلاقی و غیرفقهی است، ارجاع به منابع با اعتبار کمتر نیز صورت می‌گیرد.

۳-۱-۵. درصد نقل‌ها از منابع متاخر و متقدم

در نمودارهای ارائه شده در پیوست فراوانی ارجاعات الحیاه به مراجع مختلف در جلد اول نشان داده شده‌است. حدود ۷۰ درصد روایات در جلد اول الحیاه به مراجع متقدم ارجاع داده شده‌است. ۳۵ درصد از احادیث از مراجع درجه "الف" نقل شده‌اند حدود ۲۱ درصد از روایات از بحار روایت شده‌است. ۳۰ درصد از روایات به مراجع واسطه‌ای بحارالانوار، وسائل‌الشیعه، مستدرک‌الوسائل، وافی، تفسیر البرهان، و مفاتیح‌الجنان و... نقل شده‌است. از بین تمامی مراجع بعد از بحارالانوار، غررالحکم با حدود ۲۰ درصد و نهج‌البلاغه با حدود ۱۷ درصد بیشترین ارجاعات را به خود اختصاص داده‌اند.

۳-۲. فرآیند جستجو و جمع آوری احادیث

نویسندگان جوامع حدیثی چون درصد ارائه تصویری نسبتاً جامع از آموزه‌های حدیثی در ابواب و موضوعات مختلف هستند، طبیعتاً باید احادیث هم‌موضوع و هم‌مضمون را در کنار یکدیگر قرار دهند و به دیگر سخن در هر موضوع به تشکیل «خانواده حدیث» دست بزنند. تشکیل خانواده حدیث به معنای یافتن احادیث مشابه، هم‌مضمون و ناظر به یک موضوع محوری و نیز فهم نسبت‌های آنها با یکدیگر، نقش و اهمیتی به‌سزا در تسهیل درک

احادیث و یا فهم آنها دارد. این دسته‌بندی‌های موضوعی، چه به صورت ابواب فقهی و چه به صورت اخلاق، تاریخ و سیره نشان از ورزیدگی محدث در درک مفهوم حقیقی و منظور نهایی گوینده و یا گویندگان چند حدیث گردآمده در یک باب دارد. برخی از محدثان مفهوم و نتیجه بدست آمده از یک خانواده حدیثی را عنوان باب قرار داده و بدین‌گونه برداشت خود را ارائه کرده‌اند. با بازیابی خانواده حدیث و یافتن تمام احادیث مطلق و مقید، عام و مخصص و ... علاوه بر فهم دقیق حدیث، حکم نهایی روشن شده و تنها چنین حکم برآمده از چنین بررسی جامعی است که می‌تواند بعنوان حکم نسبت داده شده به دین و معصومان علیهم‌السلام حجیت داشته (مسعودی، ۱۶۰-۱۶۳ و ۱۵۲) از دیگر سو به سبب عرفی بودن صدور حدیث در گذر زمان و متناسب با نیازهای متفاوت فردی و اجتماعی، طبیعت سخن گفتن با مردم در موضوعات متنوع، در نظر گرفتن میزان فهم مخاطب در هر سخن و گاه بیان از روی تقیه، لازم است برای کشف حقیقت پیرامون یک موضوع خاص، همه سخنان معصومان علیهم‌السلام در یک موضوع کنار یکدیگر قرار گرفته تا فهم و تصویر دقیق‌تری حاصل شود. (پسندیده، ۲۱-۲۵ و ۵۸)

در بازیابی خانواده حدیث، گام نخست گردآوری واژگان دال بر مضمون عنوان مورد بحث است. افزون بر واژه‌های اصلی، واژه‌های مرتبط که هر کدام می‌تواند دارای خانواده حدیثی مستقلی باشد نیز در کانون توجه هستند. واژگان مرتبط برخلاف واژگان محوری، مورد استفاده همیشگی و کامل قرار نگرفته و در موارد لزوم مورد رجوعند. پیگیری کلمات مرکب و الفاظ متضاد نیز در احصا روایات ناظر به موضوع مربوط مفید ارزیابی می‌شود. همچنین تحقیق در عنوان اصلی مستلزم پژوهش در همه مصادیق آن است. گام دوم جمع-آوری روایات ناظر بر مجموعه واژگان گردآورده شده است که از مراجعه به جوامع حدیثی، تک‌نگاری‌های مرتبط با موضوع، معاجم لفظی، نرم‌افزارهای رایانه‌ای و تصانیف موضوعی حاصل می‌شود. (طباطبایی، ۲۲۲-۲۳۹) بهره‌گیری از جستجوی ترکیبی یعنی مراجعه به منابع مکتوب و توجه به جایگاه احادیث در ابواب و نیز استفاده از جستجوهای

رایانه‌ای به منظور یافتن احادیث که به لحاظ مضمون بدون استفاده از واژه‌های محوری با موضوع پژوهش مرتبطند، سبب می‌شود خانواده حدیث در حد اطمینان‌بخشی کامل شود. بررسی چگونگی انتخاب روایات از میراث حدیثی کهن، توسط مولفان جوامع روایی، گام دیگری در جهت شناخت شیوه انتخاب و جایگذاری احادیث توسط ایشان است. هدف از تدوین جوامع موضوعی، جمع احادیث هم‌مضمون و ناظر به یک موضوع محوری، تعیین ارتباط آنها با یکدیگر و درک مقصود صحیح مجموع روایات، استنباط حکم شارع یا نظریه اسلام در موضوع مذکور است. محدث در جمع‌آوری احادیث هم‌مضمون ذیل یک عنوان، یا تنها به جستجوهای لغوی و لفظی بسنده می‌کند یا به معنا و مفهوم روایاتی که ممکن است لزوماً از واژه‌های محوری موضوع استفاده نکرده‌اند، نیز توجه می‌کند. کشف این نکته در یک جامع حدیثی، از بررسی نوع پیوند احادیث با عناوین ابواب و فصول مرتبط با آنها، میسر می‌شود. اگرچه مولفان غالباً احادیث را بواسطه کلیدواژه‌های مرتبط با عناوین انتخاب می‌کنند، لیکن بررسی ارتباط احادیث با عنوان فصول، در برخی موارد شیوه متفاوت محدث در استنباط مفاهیم از روایت را نشان می‌دهد. بهره‌گیری از تلازم معنایی قسمتی از روایت با عنوان، استنباط معنای عنوان از مفهوم مخالف جمله روایت، از جمله شیوه‌های محدث در گزینش احادیث است.

هدف از تالیف الحیاه تنظیم جهان‌شناسی و ایدئولوژی اسلامی با نگاهی هماهنگ به آیات و حیانی و میراث حدیثی شیعه بوده است و سعی نویسندگان بر آن بوده است که حتی‌المقدور به برخی نیازهای تربیتی انسان معاصر پاسخ داده شود. آیات و احادیث منتخب برای عناوین ابواب و فصول به اذعان مولفان به عنوان نمونه و برای نشان‌دادن خط تعلیمی اسلام پیرامون هر موضوع آورده شده و هدف ایشان جمع‌آوری همه احادیث مربوط به عناوین نبوده‌است. اهتمام مولفان در ارائه سبک زندگی اسلامی و انطباق تعالیم و حیانی بر مسائل عصری، و تاکید ایشان بر لزوم توسیع اجتهاد و فقه با توجه به گستره رسالت آن در تأمین سعادت مادی و معنوی بشر، تنظیم و ارائه عناوین بدیع و تا حدودی

متفاوت از دیگر جوامع حدیثی را در الحیاه سبب شده‌است. گزینش احادیث برای عناوینی که با توجه به پیش‌فرض‌های مولفان و همچنین با توجه به نگاه مجموعی و بهم پیوسته ایشان به آموزه‌های دینی سامان یافته، استفاده از دامنه گسترده‌تری از روایات و احادیث را می‌طلبد. بنابراین همانگونه که ایشان در مقدمه جلد اول نیز تصریح می‌کنند انتخاب روایات برای عناوین تنها به جهت وجود کلیدواژه مرتبط با عنوان و دلالت لفظی صریح جمله صورت نگرفته است و در مواردی احادیث بواسطه دلالت التزامی و یا مفهوم مخالف احادیث، با عنوان گزینش شده‌اند.

مطالعه جلد‌های اول و هشتم الحیاه و بررسی نوع ارتباط و پیوند احادیث با عناوین موید آنست که در الحیاه نیز مانند جوامع حدیثی دیگر بیشتر روایات به واسطه دلالت مطابقی با عناوین فصول و بخش‌ها انتخاب شده‌اند، در عین حال تعدادی از روایات به دلالت التزامی برای عناوین گزینش شده‌اند. در ادامه به مواردی از دلالت‌های التزامی و پیوند احادیث بواسطه مفهوم مخالف با عناوین اشاره می‌شود.

۳-۲-۱. دلالت التزامی

- در فصل دوم از باب هفدهم احادیثی پیرامون دستورات اسلام در لزوم حسن معاشرت و همنشینی و مصادیق آنها در جامعه از جمله حسن خلق و امانتداری و عیادت و... انتخاب شده است که در واقع لازمه جامعه‌گرایی در تربیت اسلامی است و از بیان چنین دستوراتی و کثرت آنها در تعالیم اسلامی "ضرورت جامعه‌گرایی در اسلام" را نتیجه گرفته‌است. (حکیمی و دیگران، ۵۹۳/۸)

- حدیث "المؤمن مرآة لأخیه المؤمن"، از فضل "نقادی و کمال یافتن شناخت به آن" با بیانی تمثیلی با عنوان مرتبط است که بخشی از وجه آن تمثیل در حدیث هشتم اینگونه: "المسلم مرآة أخیه، فإذا رأیتم من أخیکم هفوة، فلا تکنوا علیه إلیا، و کونوا له کنفسه، و أرسدوه و انصحووا، و ترققوا به." بیان شده است. (حکیمی و دیگران، ۳۲۷/۱-۳۲۶)

- حدیث هفتم با بیان "اعمل عمل من قد عاین"، از فصل "نمودارهای شناخت تکامل یافته" بخش "استواری و اقدام"، از ارتباط مفهوم کنایی "همچون کسی به کار برخیز که با چشم خود دیده است" با معنای استواری در انجام عمل، به عنوان مرتبط می‌گردد. (حکیمی و دیگران، ۱۰۷/۱)

- حدیث هفدهم از فصل "ضرورت همگانی شدن شناخت و آگاهی" با بیان "ملاقاة الإخوان یسرة، و تلقیح للعقل، و إن کان نذرا قليلا"، به واسطه تبیینی که نویسنده برای باروری عقل در پرائنتز (از طریق انتقال دادن معلومات و آگاهی‌ها) ارائه داده است و از تلازم ملاقات با انتقال اطلاعات، با عنوان مرتبط می‌شود. (حکیمی و دیگران، ۱۰۹/۱)

- در حدیثی که در بخش "مسئولیت درباره هوا" آمده است، از هوای پاک به عنوان نعمت و مایه آسایش یاد شده که با توجه اصل عقلانی استفاده بهینه از نعمت و نیالودن آن، با عنوان موضوع مرتبط است و روشن‌کننده بحث مسئولیت در برابر هوا است. (تلازم نعمت با حق و مسئولیت). (حکیمی و دیگران، ۲۴۲/۸)

۳-۲-۲. دلالت مفهوم مخالف

- حدیث چهاردهم "فی قول الله عزوجل ولا تتركوا إلى الذين ظلموا فتمسکم النار... قال: هو الرجل يأتي السلطان فيحب بقائه إلى أن يدخل يده إلى كيسه فيعطيه" و پانزدهم "... و مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَ الظَّالِمِينَ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَمَدَ نَفْسِهِ عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِ..." از فصل "جهت‌گیری درست در احساس و عاطفه" به علاقه ضد با عنوان مرتبط هستند یعنی جهت‌گیری صحیح را با ذکر نبایدها تعیین کرده‌اند. (حکیمی و دیگران، ۳۶۵/۸).

- حدیث "مَوَدَّةُ الْجُهَّالِ مُنْغِيْرَةُ الْأَحْوَالِ وَشِيْكَةُ الْأَنْتِقَالِ" از فصل "خردمندی و جامعه‌گرایی"، به علاقه ضد با عنوان مرتبط است چرا که به توصیف نوع روابط اجتماعی در جهال پرداخته است. مابقی احادیث فصل رابطه بین عقل و تودد و حب و معاشرت نیکو

را به تصویر کشیده است. (حکیمی و دیگران، ۲۰۴/۱)^۱

ع- توجه به گرایش نویسندگان الحیاه

گرایش یک مولف، تأثیر باورهای مذهبی، کلامی و جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش در تألیف اوست که براساس عقاید، نیازها، ذوق و سلیقه و تخصص علمی وی شکل می‌گیرد. (رضایی اصفهانی، ۳۱۸) سمت و سوهایی که ذهن و روان مولف در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود بدان‌ها تمایل دارد صبغه و لون‌های متفاوتی به اثر می‌بخشد که گاه با عناوینی چون کلامی، تربیتی، اخلاقی یا اجتماعی و... معرفی می‌شود. مهمترین عامل در گرایش یک مولف جهت‌گیری‌های عصری اوست که خود معلول سه عامل (۱) تخصص مولف و میزان بهره‌مندی او از دانش‌های مختلف (۲) روحیات و ذوقیات (وی ۳) دغدغه‌های مولف نسبت به مسائل مختلف اعم از دین، انسان، مسائل اجتماعی و تحولات زمان است. (شاکر، ۴۲-۴۳) گرایش مولف یک جامع حدیثی بر نوع رویکرد وی به منابع گوناگون، توجه به ابعاد خاصی از آموزه‌های روایی اعم از فقهی، اعتقادی و...، روش استنباط وی از احادیث، سبک گزینش احادیث و نیز دسته‌بندی موضوعی و انتخاب عناوین ابواب تأثیرگذار است. از دیگر تأثیرات گرایش بر اثر یک محدث، می‌توان به شرح و بسط و تبیین و تطبیق معنای روایات در قالب علوم مختلف و متناسب با روحیات، دغدغه‌ها و تخصص او اشاره کرد. یک مسیر روشمند برای به دست آوردن ویژگی‌های فکری، باورها، ذوق و سلیقه، جهت‌گیری و دیگر ویژگی‌های محدث مراجعه به جامع حدیثی که وی فراهم آورده، است. گزینش احادیث و تبویب هر جامع حدیثی متأثر از گرایش نویسنده و اهداف وی از تدوین آن است. این مهم بعنوان محور سوم در شیوه گزینش احادیث توسط صاحبان جوامع از رهگذر مقایسه جامع حدیثی مورد نظر با جوامع دیگر قابل مطالعه و پیگیری است. تحلیل متنی روایات گزینش شده و مقایسه عناوین

۱. برای مطالعه نمونه‌های بیشتر نک: الحیاه. ج ۱. ص ۲۰۹. ح ۱. و ص ۴۳۳. ح ۶ و ۷.

ابوابی که حدیث در مصادر اولیه ذیل آنها قرار گرفته با عناوین ابواب جامع روایی مورد بررسی که مولف همان احادیث را ذیل آن طبقه‌بندی نموده، برخی از معیارهای محدث در شیوه حدیث‌گزینی را روشن می‌سازد.

مولفان الحیاه در مقدمه کتاب به اهمیت حفظ و بسط نظام اجتهاد بر مبنای شناخت واقعیات متحول زمان و در رویارویی اجتهاد با تجربه‌های بشری و عینیت‌های جهانی تاکید می‌کنند و در همین راستا یکی از اهداف تدوین این مجموعه را، عرضه‌داشت موادی غنی و زنده، و مجموعه‌ای غنی (و تلقی و برداشتی قابل عطف توجه) برای گسترش ابواب فقه، برپایه قویم اجتهاد و حفظ آن، ذکر می‌کنند. ایشان معتقدند که برخورد با آیات و احادیث به سبک الحیاه، یعنی برخوردی مجموعی و استفاده‌ای تفقهی می‌تواند "فقاهاست" و "اجتهاد" را نیز بسطی سزاوار و گسترشی فنی و عمیق بخشد. این بر گرایش ویژه ایشان در تدوین الحیاه دلالت دارد. به نظر می‌رسد که برای روشن شدن این گرایش و رویکرد باید تبویب احادیث در منابع و مصادر متقدم الحیاه را با تبویب آنها در الحیاه مقایسه کرد. در مطالعه بخش حاضر از دو جلد اول و هشتم از الحیاه، احادیثی که بیشتر از مصادر فقهی گرفته شده‌اند یا محتوای فقهی دارند و یا احادیثی که مولف الحیاه آنها را ذیل عناوین بدیع و اجتماعی آورده است، مورد مطالعه و توجه قرار گرفتند تا میان ابوابی که در جوامع حدیثی مرجع، به این احادیث اختصاص داده شده با فصول و ابوابی که در الحیاه ذیل آن ذکر شده‌اند، مقایسه‌ای صورت گیرد که نتایج آن در دسته‌بندی زیر ارائه می‌شود.

۴-۱. ضابطه‌مند کردن مباحث مطرح در عناوین جزئی در جوامع حدیثی، با

عناوین کلی‌تر

به گفته نویسندگان، رمز اصلی در کار الحیاه و زاویه دید در این بررسی، شناخت مسائل حیات انسان رنج‌کشیده در درازای تاریخ و در سراسر کشورهای امروز است. با این عینک به احادیث و آیات نگریسته شده و باب‌ها و فصل‌ها و عنوان‌گذاری‌های آن از این دیدگاه ریشه گرفته است. (حکیمی و دیگران، ۹۰۷/۱۲) اهتمام مولفان به ارائه ایدئولوژی

اسلامی و نظام مکتبی، سبب طرح عناوینی متناسب آن شده که در بسیاری از موارد عناوین جامعی است که دربرگیرنده موضوعات متعدد جزئی مورد توجه در جوامع حدیثی گذشته بوده است. به نمونه‌هایی از این بحث، در ادامه اشاره می‌شود.

- احادیث فصل سیزدهم با عنوان "کرامت انسان" از ابواب متنوع کتب حدیثی برای این مفهوم گزینش شده‌اند. حدیث اول از باب "ذم السؤال خصوصا بالكف و من المخالفین..." از بحار (مجلسی، ۱۶۰/۹۳) روایت شده و در الوسائل (حرعاملی، ۱۶/۳۴۵) در "باب استحباب نفع المؤمنین" نیز روایت شده است. حدیث سوم از "باب السعی فی حاجة المؤمن" از الکافی نقل شده که در ابواب "استحباب السعی فی قضاء حاجة المؤمن..." از وسائل (حرعاملی، ۱۶/۳۶۷) و "قضاء حاجة المؤمنین و السعی فیها و توقیرهم..." از بحارالانوار (مجلسی، ۳۳۶/۷۱) نیز روایت شده است. روایت پنجم که بخشی از یک روایت نسبتاً طولانی است از "باب فی شرح أمور النبی و الأئمة فی نفسهم..." از بصائرالدرجات انتخاب شده است. روایت هفتم که از "باب الجهاد" وافی آورده شده در این مرجع به نقل از "باب الدعاء إلى الإسلام قبل القتال" در الکافی (کلینی، ۳۶/۵) روایت شده است. حدیث هشتم در "باب استحبابه و کراهة ترکه" از "کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و ما یلق به" در وسائل (حرعاملی، ۱۶/۲۹۲) نقل شده است. و روایت نهم از "ثواب الهدایة و التعلیم و فضلها..." از بحار گزینش شده است. حدیث دهم از باب "فی احیاء المومن" از کتاب الایمان و الکفر" روایت شده و در بحار (مجلسی، ۲۰/۲) و وسائل (حرعاملی، ۱۶/۱۸۶) به ترتیب در ابواب "ثواب الهدایة و التعلیم و فضلها..." و "باب استحباب الدعاء إلى الإیمان..." روایت شده است. تامل در این ابواب متنوع و متعدد، موید این مطلب است که هم نویسنده در تدوین این فصل، توجه به نیازهای فردی و اجتماعی مومنان است که از آن جمله اهمیت دفاع از مستضعفان، ارزش خدمات در راه جامعه بشری، برابر بودن مردمان در نزد خدای متعال، نفی امتیازات واهی و بی‌تاثیر بودنشان در گوهر انسانی و شئون بشری و همچنین ارزش عبادی و تقریبی

کوشش در برآوردن نیازهای فردی و اجتماعی مردمان می‌باشد که همگی از مهمترین اصول تربیتی اسلام هستند که فهم موضوعی و مجموعی این روایات نویسنده را به موضوع ارزش والای انسانی رهنمون ساخته، چنانکه خود نیز در تبیین انتهای فصل به تمامی این موضوعات به عنوان اهمیت شئون انسانی در منطق دین اشاره می‌کند و خواننده را به ابواب گسترده‌ای مرتبط با این موضوع ارجاع می‌دهد. اهمیت بحث کرامت و ارزش والای انسان در دیدگاه مولفان الحیاه با توجه به مقدمه این کتاب در آنجا که انسان و کرامت انسانی به عنوان یکی از چهار رکن عمده مورد نظر کتاب در کنار مذهب، زمان و حیات قرار می‌گیرد، روشن می‌شود. لذاست که نویسنده "کرامت انسانی" را به عنوان یکی از امتیازهای جهان‌بینی الهی در فصلی جداگانه مورد توجه قرار می‌دهد. در عین اینکه در تبیین‌های ذیل فصول متعددی از فصول و ابواب مختلف به ارتباط به قوانین و چارچوب‌ها و تعالیم اسلامی با کرامت و ارزش والای انسان اشاره می‌کند. از ارسال رسل و هدایت، انسان (حکیمی و دیگران، ۹۷/۲)، دستور مبارزه با طواغیت و زندگی زاهدانه اولیاء (حکیمی و دیگران، ۴۲۱/۲ و ۹۹) تا قوانین مالی اسلامی (حکیمی و دیگران، ۱۵۷/۳ و ۴۱) و مبارزه با نظام تکاثری اترافی (حکیمی و دیگران، ۱۲۹/۴)، انسانگرایی دین و حفظ کرامت انسانی را نتیجه می‌گیرد. (حکیمی و دیگران، ۶۹۴/۱-۶۹۰)

- حدیث هفتم از بخش "و"، "نقش ایمان در حرکت‌های سازنده فرد و اجتماع" از فصل پنجم، در باب "وجوب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر و فضلها" در بحارالانوار و کافی آمده است. احادیث اول و پنجم نیز در "باب وجوبه (الجهاد) علی الکفایة مع القدرة علیه..." از وسائل‌الشیعه آمده است. احادیثی که مولف برای بخش مذکور برگزیده در ابواب فقهی جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بوده است. حکیمی معتقد است که جامعه‌های بشری بخصوص جامعه‌های دینی به دو چیز نیاز دارند: ۱) تربیت به معنای ساختن فرد صالح به منظور ساختن جامعه صالح و ۲) سیاست که ساختن جامعه صالح است به منظور ساختن فرد صالح، بنابراین برای ساختن فرد صالح نیاز به جامعه صالح

است و از آنجا که جامعه نیز از افراد تشکیل می‌شود، برای ساختن جامعه صالح نیز نیاز به افراد صالح است. لذاست که نویسنده جهاد و امر به معروف را به عنوان مهمترین حرکت‌های سازنده فرد و اجتماع در سایه تعالیم اسلامی در بخشی جداگانه از بخش‌های "نقش ایمان در جهت‌گیری‌های اجتماعی" در نظر گرفته است. (حکیمی و دیگران، ۴۲۲/۱-۴۱۹)

- حدیث سوم از فصل چهلم تحت عنوان "شناخت هرچیز با بیرون رفتن از چارچوب آن"، از "باب الزهد و درجاته" در الکافی انتخاب شده است و حدیث چهارم که به نهج‌البلاغه ارجاع داده شده است در "باب ذم الدنيا و الزهد فیه" از در بحارالانوار به نقل از نهج‌البلاغه آورده شده است. مولف با ایجاد بابتی بدیع و نو در زمینه شناخت، تعالیم اسلامی را پیرامون شیوه‌ای از شناخت که علم روز هم به آن توجه دارد، به تصویر می‌کشد. (حکیمی و دیگران، ۲۹۳/۱)

۴-۲. استخراج ضوابط جزئی از عناوین کلی و مباحث حقوقی

دغدغه مولفان الحیاه در عرضه‌داشت یک نظام با زمینه‌های اجرایی آن و توجه به خط فردسازی و جامعه‌پردازی اسلام، موجب شده تا با نگرش متفاوت به احادیث، ضوابط و عناوینی را در جهت تبیین سبک زندگی و آموزش‌های مهارت‌های آن، استخراج کنند که عمدتاً این احادیث در جوامع حدیثی دیگر، ذیل عناوین و موضوعات کلی حقوقی، فقهی و اعتقادی و ... تبویب شده‌اند. نمونه‌هایی از اینگونه منطبق در گزینش احادیث آورده شده است.

- در بخش "د" فصل پنجم "ایمان و وحدت جامعه اعتقادی"، احادیث اول تا هفتم از ابواب مربوط به حقوق در جوامع حدیثی انتخاب شده است. به عنوان مثال حدیث دوم در باب "الحقوق" از من لایحضره الفقیه (صدوق، ۶۲۵/۲)، "باب جمله مما ینبغی القیام به من الحقوق الواجبه و المندوبه" از وسائل الشیعه (حرعاملی، ۱۷۹/۱۵) و "جوامع الحقوق" بحارالانوار (مجلسی، ۹/۷۱) نقل شده است. حدیث سوم از "باب ترک العجب و الاعتراف بالتقصیر" بحارالانوار (مجلسی، ۲۳۰/۶۸) انتخاب شده است. حدیث چهارم که از وافسی

"ابواب زکاه الاموال" نقل شده است در وسائل الشیعه (حرعاملی، ۱۰۶/۱۵) "باب التسویه بین الناس فی قسمة بیت المال و الغنیمه" روایت شده است. حدیث پنجم به "باب أخوة المؤمنین بعضهم لبعض" الکافی ارجاع داده شده است. احادیث ششم و هفتم از "باب حقوق الإخوان و استحباب تذاکرهم..." از بحارالانوار نقل شده است. مولف الحیاه تمامی این حقوق و مسئولیت‌های تنگاتنگ و متقابل را تحت عنوان ایمان و وحدت جامعه اعتقادی گرد می‌آورد تا به وسیله آن یکی از اضلاع نقش ایمان در جهتگیری اجتماعی را ترسیم کند. احادیث هشتم و نهم از همان بخش غالباً در ابواب مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در کتب مرجع مذکور نقل شده‌اند که با توجه به عواقب ترک این فریضه ذیل عنوان وحدت جامعه اعتقادی قرار داده شده‌اند و طی تبیینی پس از حدیث هشتم نویسنده به جهت انتخاب این احادیث در این بخش اشاره کرده است. (حکیمی و دیگران، ۴۱۴/۱-۴۰۹)

- حدیث چهارم از بخش "استواری و اقدام" از فصل نوزدهم با عنوان "نمودارهای شناخت تکامل یافته"، در بحار الأنوار در باب "الیقین و الصبر علی الشدائد فی الدین" و مشابه آن با تفاوت یک عبارت اضافه‌تر در الکافی باب "فضل الیقین" و در وسائل الشیعه "باب وجوب الیقین بالله..." آمده است که همگی ابوابی با محوریت یقین هستند لیکن مولف الحیاه نتیجه حد یقین، یعنی نهراسیدن از هیچ چیز را، استواری در اقدام و به عنوان نموداری از شناخت تکامل یافته برمی‌شمرد. (حکیمی و دیگران، ۱۶۷/۱)

۳-۴. استخراج حقوق و تکالیف از احادیث فضیلت محور (زاویه دید حقوقی)

تبیین نظامی براساس حقوق و تکالیف متقابل که دارای منشأ واحد الهی و توحیدی است، به عنوان یکی از شاخصه‌ها و توانمندی‌های اسلام در اداره جامعه و تنظیم روابط بین انسان‌ها و خداوند و نیز روابط بشری، مورد توجه نویسندگان الحیاه قرار گرفته‌است. این نگرش نسبت به تمام دستورات دینی در استخراج مسئولیت‌های انسانی، موجب شده تا علاوه بر احکام و احادیث فقهی، احادیث فضیلت‌محور نیز ذیل روابط براساس حقوق و

مسئولیت‌ها مورد توجه و تبویب بر این مبنا قرار گیرند. مواردی از گزینش روایات با نگاه استخراج حقوق از احادیث فضیلت محور، در ادامه مورد توجه قرار گرفته است.

- حدیث اول در فصل "مسئولیت در برابر قرآن کریم" را در ابواب مربوط به تکریم قرآن جای گرفته است چنانکه این روایت در بحار (مجلسی، ۱۷/۸۹) و مستدرک الوسائل (نوری، ۲۳۶/۴) به ترتیب در "کتاب القرآن، ابواب فضله و احکامه و اعجازه، باب فضل القرآن و اعجازه..." و "تممه کتاب الصلاة، ابواب قراءة القرآن و لوفی غیرالصلاه، باب وجوب اکرام القرآن و تحریم اهانته" آورده شده است. لیکن در این فصل، مولف توقیر رو از حقوق قرآن محسوب و به عنوان مسئولیت در برابر قرآن آورده است، به تعبیر دیگر جوامع دیگر نگاهی فضیلت محور به این مقوله کرده‌اند و الحیاه در این بخش از زاویه حقوقی به آن نگاه کرده است. در عین حال برداشت فضیلت گونه را هم نفی نکرده و در جلد دوم الحیاه (حکیمی و دیگران، ۲۲۷/۲) ذیل فصل حرمت قرآن از باب ششم مربوط به قرآن نیز ذکر شده است. (حکیمی و دیگران، ۶۲/۸)

ع-۴. توجه به نتایج و آثار اجتماعی صفات فردی

از آنجا که نویسندگان معتقد به تاثیر و تاثر متقابل فرد و جامعه در خط فردسازی و جامعه‌پردازی اسلامی هستند، به تاثیر اجتماعی بسیاری از احادیث که در نگاه اول تنها ناظر به موضوعات خودسازی فردی هستند، توجه کرده و با وجود اینکه در جوامع حدیثی دیگر در ابواب مربوط صفات فردی ذکر شده‌اند برای ابوابی ناظر به تاثیر اجتماعی آن صفات انتخاب کرده‌اند. نمونه‌هایی که در رابطه با این موضوع مورد مطالعه قرار گرفته، در ادامه آورده شده‌اند.

- حدیث دوم از بخش "کردار مبلغ و نقش آن در موفقیت تبلیغ"، در وسائل الشیعه در باب "وجوب الورع" ذکر شده است. همانگونه که از عناوین ابواب و فصول مشخص است در نگاه فقهی وسائل الشیعه به این وظیفه مورد نظر حدیث، به لحاظ و جنبه شخصی آن یعنی ورع پرداخته ولی مولف الحیاه از آن‌جا که قصد ترسیم برنامه‌ای برای زندگی اجتماعی بشر را مدنظر دارد، جنبه تاثیر اجتماعی این رفتار فردی و آثار تبلیغی آن را

برجسته‌تر دیده است و روایت را از این جنبه برگزیده است. (حکیمی و دیگران، ۲۰۹/۱)

– احادیث ۳ تا ۵ از فصل یازدهم "هماهنگی احساس در توده‌ها و پیشوایان"، از باب "ثواب البكاء علی مصیبتہ و مصائب سائر الأئمة..." برای فصل مذکور انتخاب شده‌اند و به نوعی جایگذاری اینگونه احادیث در چنین تقسیم‌بندی‌هایی، بیان فلسفه اجتماعی ثواب اعمال است. (حکیمی و دیگران، ۳۷۶/۸)

– حدیث دوم و چهارم از بخش "حزن" از فصل "راه‌های پرورش لامسه اجتماعی" به ترتیب از بحارالانوار، "کتاب تتمه ابواب الکفر و مساوی الاخلاق، باب الغفلة و اللہو و کثرة الفرح و الإتراف بالنعم" و "کافی"، "کتاب الایمان و الکفر باب الشکر" انتخاب شده است. نویسنده در باب احساس و عاطفه، بعد از تعریف و اهمیت احساس و عاطفه و محبت و دوستی، این مساله در بدنه جامعه را به عنوان لامسه اجتماعی تعریف و در فصل چهارم به راه‌های پرورش این لامسه می‌پردازد. نگرش اجتماعی مولفان سبب شده است تا صفت حزن را که در بحار از منظر رفع غفلت و به صورت فردی بدان توجه شده، با توجه به نتیجه آن در روابط اجتماعی بنگرد. (حکیمی و دیگران، ۲۳۵/۸)

۵-۴. توجه به فقرات مغفول احادیث در جوامع حدیثی پیشین

در تعدادی از احادیثی که در الحیاه آمده است، مولفان به ابعاد و قسمتهایی از روایت که در نظر مولفان جوامع حدیثی مرجع این احادیث، مغفول مانده و با توجه به قسمت دیگری از آن‌ها در جوامع مذکور تبویب شده‌اند، نظر داشته‌اند و با توجه به این فقرات مغفول، مفاهیمی کاملاً متفاوت را استنباط کرده و برای فصولی با عناوین متفاوت برگزیده‌اند که در ادامه به ذکر مواردی از این قبیل پرداخته شده است.

– حدیث چهارم از بخش "بیکارگی و ولگردی" ضمن بیان سیره امام در کظم غیظ در پایان حدیث جمله‌ای را حضرت در پایان به صورت انذاری در نکوهش فرد بیکاره ذکر می‌کنند که با عنوان این بخش ارتباط دارد، این روایت با توجه به رفتار امام نسبت به آن

فرد، در بحار در "باب الحلم و العفو و کظم الغیظ" آمده است، لیکن الحیاه به جهت رفتار آن مرد در تمسخر افراد، بیکاری و ولگردی انسان را به عنوان یکی از عوامل مرگ احساس و عاطفه برشمرده است. (حکیمی و دیگران، ۳۵۰/۸)

- روایت اول از فصل هشتم از باب "أن من تاب قبل أن یؤخذ سقط عنه الحد و استحباب اختیار التوبة علی الإقرار عند الإمام" از وسائل الشیعه انتخاب شده، و این مرجع نیز روایت را از باب "ما یجب به التعزیر و الحد و الرجم و القتل و النفی فی الزنا" از من لایحضر نقل کرده است. روایت دوم از باب "نوادر ما وقع فی آیام خلافته ﷺ و جوامع خطبه و نوادرها" از بحار انتخاب شده که در جامع احادیث شیعه نیز در باب "أن السرقة لا تثبت إلا بالإقرار مرتین مع عدم البینه و حکم ما لو رجع المقر" روایت شده است. روایت سوم از باب "ثبوت الزنا بالإقرار أربع مرات لا أقل منها و کیفیة الإقرار و جملة من أحکام الحد" از وسائل آورده شده است. و روایت چهارم نیز از باب "حقیقة الإیمان و الیقین" وافی انتخاب شده و در بابی به همین نام در الکافی نیز روایت شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود احادیث ۱ تا ۳ از ابواب فقهی مربوط به حدود زنا و سرقت انتخاب شده است، لیکن مولف از جهت اینکه معصوم ﷺ اصرار بر انصراف افراد از اعتراف به گناه می‌کنند تا جایی که راه توبه را نشان داده‌اند، ولی افراد گناهکار در این روایات اصرار بر تطهیر از گناه و اجرای حد دارند تا آن حد که غلام با دست قطع شده مدح امیرالمومنین ﷺ را می‌گوید، به لحاظ حفظ کرامت انسانی و انسان‌محور بودن قوانین به آن نگریسته و این روایات را ذیل فصلی با عنوان "پیوندهای ریشه‌ای میان انسان و قانون" گردآوری کرده است. روایت آخر این فصل که از "باب حقیقه الایمان و الیقین" انتخاب شده در صدد وصف انسان پرهیزگاری است که این پیوند ریشه‌ای میان او و قوانین و تعالیم اسلامی در حد اعلی دیده می‌شود و مورد مدح و دعای پیامبر ﷺ قرار می‌گیرد و به توفیق شهادت نائل می‌آید. (حکیمی و دیگران، ۶۷۱/۱-۶۶۴)

ع-۶. تبویب مجدد احادیث بدون عنوان یا احادیث با عناوین بسیار کلی

مولفان الحیاه با فهم اجتهادی از احادیث، به استنباط مفاهیمی نو از تعدادی از احادیثی که در جوامع حدیثی مرجع خود تحت باب‌هایی با عناوین بسیار کلی نظیر تاریخ، وصایا و یا مواعظ آورده شده‌اند و یا اساساً تنها در کتب حدیثی بدون تبویب موضوعی چون غررالحکم، تحف العقول، عیون اخبار الرضا و نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ذکر شده‌اند، رسیده و آن روایات را برای طرح عناوینی متناسب با مفاهیم مذکور، که عمدتاً موضوعات کاربردی حیات بشری و یا اصولی در ارتباط با عرضه داشت نظام فکری-عملی مورد توجه ایشان است، گزینش کرده‌اند. به نمونه‌هایی از این موارد در ادامه اشاره خواهد شد.

- حدیث دوم در فصل بیست و ششم در مراجع خود در ابواب "معانی ألفاظ وردت فی صفة النبی ﷺ"، "الفصل الأول فی خلقه و خلقه و سیرته مع جلسائه"، "أوصافه ص فی خلقته و شمائله و خاتم النبوة"، "ما جاء عن الرضاع فی صفة النبی ﷺ" آمده است و همانگونه که مشخص است همه این ابواب پیرامون توصیف منش و روش پیامبر ﷺ می‌باشد. لیکن نویسنده الحیاه با نگاه اسوه گونه به رفتار اجتماعی رسول اکرم ﷺ در واقع به استخراج اصل و معیاری در رابطه با روابط اجتماعی در اسلام، پرداخته است و این روایت را برای فصل "روابط بر اصل تعهدباوری و مسئولیت‌شناسی" برگزیده است. (حکیمی و دیگران، ۶۵۶/۸)

- احادیثی که در فصل ۳۵ "عاقبت اندیشی در کارها"، از بحار الانوار انتخاب شده‌اند به ترتیب از ابواب "جوامع وصایا رسول الله ﷺ و مواعظه و حکمه"، "تممة باب" مواعظ أمير المؤمنين ﷺ و خطبه أيضا و حکمه"، "أحوال الملوك و الأمراء و العراف و النقباء و الرؤساء و عدلهم و جورهم، صفات العلماء و أصنافهم"، "شرار الناس و صفات المنافق و المرائی و الکسلان و الظالم و من يستحق اللعن" برای این فصل گزینش شده‌اند. (حکیمی و دیگران، ۲۷۵/۱-۲۷۲)

- جایگاه روایت ششم از فصل یازده "هماهنگی احساس در توده‌ها و پیشوایان" از

باب "احساس و عاطفه"، در "باب أعمال خصوص یوم عرفة و لیلتها..." در بحارالانوار و موارد مشابه آن، که بخش‌هایی از ادعیه در روایات بوده و برای عناوین فصول و بخش‌های متفاوت الحیاه انتخاب شده است، بیانگر نوع نگاه نویسنده به مکتب دعایی ائمه علیهم‌السلام و لزوم استفاده و استنباط مفاهیم ادعیه به عنوان تعالیم روایی است، که در یکی از تبیین‌ها بعد از بخش‌های مربوط به خواندن دعا بدان تصریح می‌گردد. نوع نگاه مکتب تفکیک به جایگاه انسان هادی و اعتقاد به استقلال تعالیم قرآنی و استغناء معالیم و حیانی سبب توجه ویژه مولفان به ادعیه ماثور گشته و معتقدند آنچه ایشان "مکتب تعالیم دعایی" می‌خوانند فرهنگی جامع از مسائل اعتقادی، نبوت شناختی و، امامت و معاد شناسی و بسیاری از حقایق معرفتی و تعالیم انسانی و اجتماعی است که در تبیین انتهای فصل چهارم همین باب مفصل به آن پرداخته شده است. مولف الحیاه تصریح می‌کند که به جهت اشتغال بیش از حد جامعه دانشگاهی و حوزوی به مفاهیم بشری چون اصطلاحات اصولی، فقهی، کلامی و فلسفی و... این تعالیم و حقایق در فرهنگ علمی و آموزشی و برنامه‌های تربیتی ما مغفول و مهجور مانده است و مجالی برای رجوع به آن و غور و تأمل در آنها باقی نگذاشته است. (حکیمی و دیگران، ۳۷۶/۸)

چنانکه گذشت مبانی مولفان الحیاه و گرایش اجتماعی و دغدغه‌های ایشان در موضع‌گیری بر شالوده شناخت زمان، درک انسان نو، و فهم احکام دین بر مبنای اهداف دین، برای ساختن جامعه قرآنی عامل به عدل و قائم به قسط، در گزینش روایات برای عناوین بدیع و متفاوت الحیاه نسبت به دیگر جوامع حدیثی، نقشی موثر داشته است.

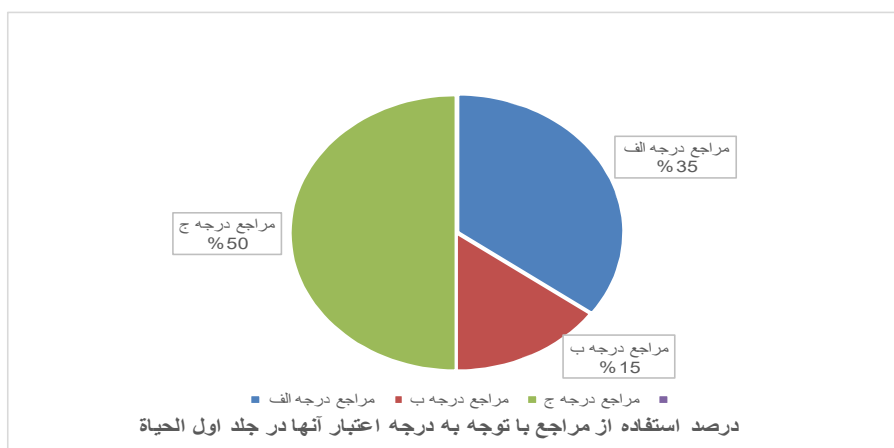
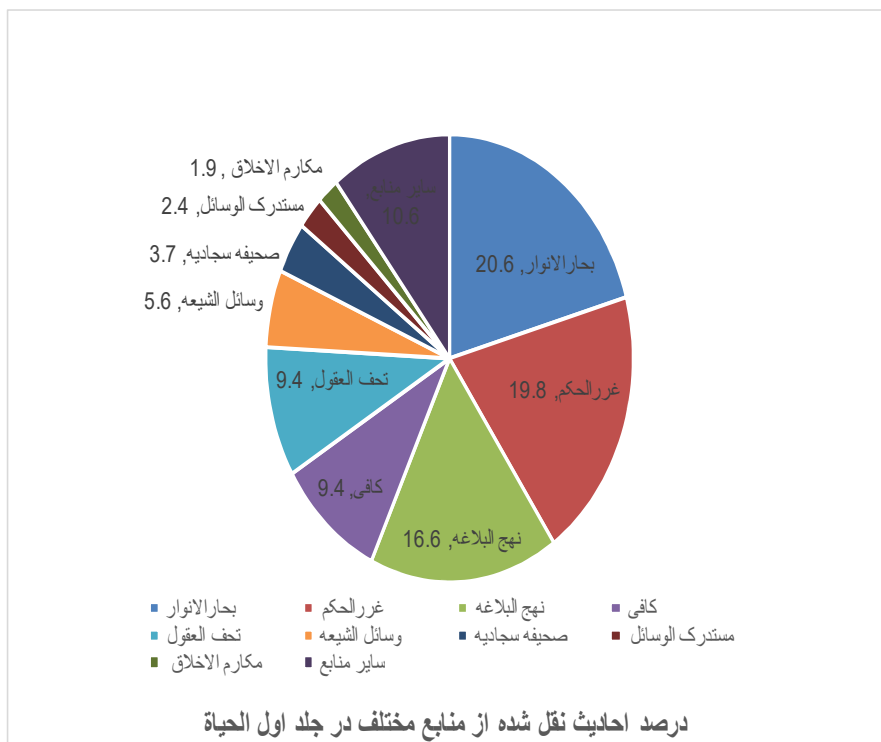
۵- نتایج مقاله

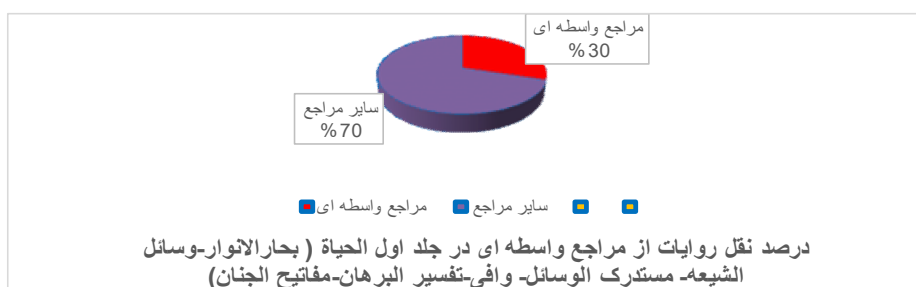
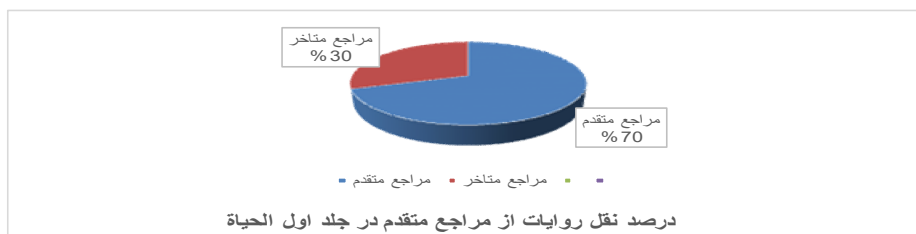
مهمترین شیوه‌های گزینش و جایگذاری احادیث در جوامع حدیثی را می‌توان سه مؤلفه معیار اعتبار سنجی احادیث، چگونگی جستجو و جمع‌آوری احادیث و گرایش ویژه نویسنده در استنباط مفاهیم از روایات و تبویب آنها، دانست. مولفان الحیاه در انتخاب منابع

و مصادر حدیثی برای گزینش احادیث، ضمن اینکه بیشترین بهره را از منابع معتبر متقدم می‌گیرند، در عین حال مبنای جریان تفکیک در اهمیت به تعاضد مضمونی احادیث با آیات قران و احادیث دیگر در استناد، سبب توجه مولفان به مصادر غیرفقهی و اخلاقی نیز شده است. داشتن چنین نگاه ترکیبی موجب عدم وحدت رویه در انتخاب مراجع و ارجاعات الحیاه گردیده است. به نظر می‌رسد ارجاعات قابل توجه به بحارالانوار با وجود توجه به میزان اعتبار مرجع مورد استفاده در این منبع و ذکر آن در اغلب موارد، می‌تواند به جهت قرابت نگاه و دغدغه‌های اجتماعی آقایان حکیمی به علامه مجلسی باشد.

انتخاب احادیث برای عناوین، در جوامع حدیثی پیشین عمدتاً احادیث براساس کلیدواژه‌های مرتبط با هر عنوانی صورت گرفته است، در الحیاه علاوه بر انتخاب احادیث با این معیار، نویسندگان با توجه به مبانی فکری خود، از توجه به تلازم‌های معنایی و یا مفهوم مخالف روایت، موضوع عناوین را از بخش گسترده‌تری از روایات استنباط می‌کنند. چنین گزینشی از احادیث، سبب توجه به قسمت‌های مغفول احادیث و تبویب دوباره احادیث بدون عنوان در جوامع پیشین شده که تحقق هدف مولفان در توسیع فقه و بسط اجتهاد برای رویارویی با تجربه‌های بشری در زندگی نو را تسهیل می‌کند. استنباط موضوعات کلی برخاسته از پیش فرض‌های نویسندگان از مجموعه‌ای از قوانین جزئی مانند کرامت انسانی یا تاثیر تربیت دینی در رشد اجتماعی و ...، ارائه معیارهای سبک زندگی از مباحث کلی حقوقی و فقهی، توجه به آثار اجتماعی صفات فردی و بیان فلسفه اجتماعی ثواب اعمال، و توجه به نظام حقوق و تکالیف متقابل فردی و اجتماعی از نتایج گرایش اجتماعی و عصری نویسندگان و تاثیر مبانی ایشان در حدیث‌گزینی و عرضه روایات ذیل عناوین بدیع و متفاوت از جوامع دیگر حدیثی است.

۶- پیوست





کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن شعبه الحرائی، حسن بن علی، تحف العقول. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۴. پسندیده، عباس، فقه الحدیث ۳، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۷ش.
۵. جمعی از علما، الأصول الستة عشر (ط - دار الحدیث)، قم: موسسه دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۲۳.
۶. حب الله، حیدر، الحدیث الشریف حدود المرجعیه و دوائر الإحتجاج، بیروت: موسسه الانتشار العربی، ۲۰۱۷ م.
۷. حر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، قم: موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۸. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاه، جلد اول تا پنجم. ترجمه احمد آرام. قم: دلیل ما، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۵ش.
۹. همو، الحیاه، جلد هشتم و دوازدهم. قم: دلیل ما، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۴ش.
۱۰. راوندی، سعید بن هبة قطب الدین، قصص الأنبياء ﷺ (لراوندی)، قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق.
۱۱. ربانی بیرجندی، محمد حسن، "وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاهها"، فقه ۱۹، ۱۳۷۸(۱): ۱۴۵-۲۰۷.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۳. شاکر، محمد کاظم، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، چاپ سوم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳ش.
۱۴. صبحی، صالح، علوم الحدیث و مصطلحه، بی‌جا: المکتبه الحیدریه، ۱۴۱۷ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی للصدوق، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. همو، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. همو، عیون أخبار الرضا ﷺ، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. همو، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمد کاظم، منطق فهم حدیث، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ش.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین ﷺ، ۱۴۰۶ق.
۲۲. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. معارف، مجید، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ دانشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۳ ش.
۲۶. همو، تاریخ عمومی حدیث، تهران: کویر، ۱۳۸۱ش.
۲۷. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۴ش.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۹. موسوی خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
۳۰. نصیری، علی، روش‌شناسی تقد احادیث، قم: انتشارات وحی و خرد، چاپ دوم، زمستان ۱۴۰۰ش.
۳۱. نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البیت ﷺ، ۱۴۰۸ق.

